



توصیه جومونگ پدر به جومونگ پسر

روایتی از زندگی به سبک کره جنوبی

نه، پای یک سریال جدید کره‌ای ننشسته‌ایم. به اندازه کافی از این دست نمایش‌ها دیده‌ایم و به قدر لازم خانه را از اجناس کره‌ای پر کرده‌ایم. حبه الاسلام محمدجواد قاسم‌پور برای شرکت در جشنواره انیمیشن کره جنوبی به نام «سی‌کاف» به آنجا سفر کرده بود و نکات جالبی درباره فرهنگ مصرف و کار در زندگی کره‌ای‌ها داشت. مردمی که هر چند صفحات تاریخ‌شان چندان پر نیست اما تاریخ را هم به ضرب کار و صنعت سریال‌سازی برای خودشان بازسازی می‌کنند و البته به خورد ما هم می‌دهند.

خیلی متأسفیم اما...

ایمیلی زده بودیم برای شرکت در مسابقه انیمیشن. در تطبیق ماه میلادی با ایرانی اشتباه کرده بودیم و مسابقه تمام شده بود. با این حال ایمیلان را جواب دادند. جواب، خواب، خیلی محبت‌آمیز و مؤدبانه بود: «ما بسیار ناراحتیم از اینکه این خبر را به شما بدهیم. باید به شما دوست عزیز بگوییم که اصلاً جشنواره امسال تمام شده است. آیا شما دوست دارید که ما انیمیشن شما را در مسابقه سال بعد شرکت بدهیم؟» جواب دادیم که بله. وقتش که رسید دوباره ایمیل زدند و خبر دادند که ما اثر شما را در مسابقه شرکت دادیم. فرم جدید را فقط ببینید و امضا بکنید. تا این اندازه نسبت به فعالیت‌ها و کارهایشان تعهد دارند.

مردم کره برای رفت و آمد و سر زدن به یکدیگر هم نظم و برنامه خاصی دارند. صبح‌ها از ساعت ده تا دوازده و بعد از ظهرها از ساعت دو تا چهار به مهمانی می‌روند. همیشه با قرار قبلی به یکدیگر سر می‌زنند. فردای میهمانی، میزبان یک پیام تشکرآمیز برای میهمان ارسال می‌کند.

فرهنگ سنتی و دنیای مدرن

در کره جنوبی زندگی بسیار مدرن و امروزی است. در پایتخت حجم ابزار تکنولوژی زبانزد خاص و عام است. سؤال بیشترین پهنای باند اینترنت را در دنیا دارد. سرعت تحول کره در زمینه اقتصاد بسیار بالا است و زیرساخت‌های عمرانی و معماری شهر

بسیار پیشرفته است. زیر شهر کانال‌هایی کشیده شده است و آسفالتی که استفاده می‌کنند چند لایه است. اما از لحاظ فرهنگ بسیار به سنت‌هایشان پایبندند. بافت کلی و عمومی مردم کره جنوبی سنتی است و آیین‌های سنتی زیادی، آیین‌های ملی و آیین‌های مذهبی در کره وجود دارد. قشر نخبه و مخصوصاً اساتید دانشگاه از آیین بودائی و کنفوسیوسی دور می‌شوند و به شدت به مسیحیت نزدیک می‌شوند. ادب و احترام به بزرگتر یکی از آیین‌هایشان است. احترام به بزرگتر یک قانون عمومی و ملی است و همه خود را در برابر این قانون ملزم می‌دانند. هرچند رفته رفته مدرنیته و تکنولوژی که آنجا بروز و ظهور دارد تأثیر خودش را گذاشته است.

صنعت فرهنگی

در کره جنوبی صنعت سریال‌سازی وجود دارد و حجم زیادی از سریال‌های مختلف را تولید می‌کنند. آنها به معنای تام کلمه، صنعت انیمیشن دارند. یعنی یک چرخه تولیدی که سازماندهی شده و تکثیر پیدا کرده و به صورت کمی و کیفی رشد کرده است. جشنواره‌هایشان به صورت فوق العاده در حال رشد و بزرگ شدن است. درگاه‌های فرهنگی - هنریشان را خوب شناخته‌اند و این نشان می‌دهد در این حوزه مطالعه و پژوهش داشته‌اند و ثمره‌اش را متصل به حوزه صنعت کشوری کرده‌اند. بنابراین صنعتشان پویا و فراگیر است.

باز تولید محصولات سنتی

یکی از هنرهای آنجا سفالگری است. اسمهای خاصی دارد. جوسون، بیکجا، بونجونگ، گوریو و ... در دنیا شناخته شده است، چون خیلی روی تبلیغش کار کردند و فروش زیادی در آمریکا دارد. میزان تولید این محصولات روز به روز در حال افزایش است. آزمون و خطاهایش را کرده‌اند و به مدل مطلوبی رسیده‌اند. خطاهایش را گرفتند و نقاط قوتش را تقویت کردند. از دیگر محصولات که از قدیم و به صورت سنتی در این کشور هست نوشیدنی‌های گیاهی است. این نوشیدنی‌ها را به شکل‌های جدید و در بسته‌بندی‌های زیبایی مرتب تولید می‌کنند.

برو کار می‌کن...

دوستانم از من پرسیدند که رهاورد سفرم به کره چه بود؟ گفتم «خسته نمی‌شوند، خسته نمی‌شوند، خسته نمی‌شوند». مردم کره خستگی ندارند. در کره همیشه پدرها دو چیز را به پسرها توصیه می‌کنند. اول مطالعه و دوم کار سنگین. یکی از شعارهای ملی آنها این جمله است: «به تمامی انسان‌ها فایده برسانید».

کتابخانه ملی آن‌ها تنها یک موزه نیست. کتابخانه بسیار فعالی است. جشنواره‌های کتاب خوانی و توزیع کتابی که برگزار می‌کنند؛ فروش بسیار بالایی دارد. عرضه و مشاوره‌ای که دارند بسیار عالی است. همچنین توزیعی که در شهر وجود دارد فوق‌العاده است.

نخیه ساده زیست

یکی از دانشجویان دعوت‌م کرده بود. از مخترعین برتر منطقه بود و با این که به خاطر اختراعش معروف بود، خانه مجردی و خیلی جمع و جوری داشت. یک لپ‌تاپ، یک میز، یک تخت و کمد و لباس‌های اندک و -چون به نوشیدنی علاقه داشت- قهوه ساز شکیل و خوشگلی هم داشت. با این که در کره جنوبی 2012 زندگی می‌کرد و می‌توانست زندگی بسیار مدرنی داشته باشد، خودش هم روی زمین می‌نشست. می‌گفت: «روی زمین نشستن را دوست دارم. اینجا خیلی از جوانها روی زمین می‌نشینند».

در کره همیشه پدرها دو چیز را به پسرها توصیه می‌کنند. اول مطالعه و دوم کار سنگین. یکی از شعارهای ملی آنها این جمله است: «به تمامی انسان‌ها فایده برسانید».